

پایخ

بیداری ایرانیان

بقلم

ناظم الاسلام کرمانی

www.KetabFarsi.com

جلد چهارم

صفحة خالی

قرارداد وام روس و انگلیس به ایران

دولتین روس و انگلیس بیست کرور تومان بالاشترک به دولت علیۀ ایران از قرار صد هفت قرض می دهند و به شرط ذیل :

اول آنکه دولت علیه مصارف خرج این وجه را باید با الاملاخ دولتین روس و انگلیس بنماید .

دویم - دولت روس از این وجه حق مطالبۀ اقساط استقراضی قبل را ندارد و نباید از این وجه بردارد .

سوم - قرارنامۀ این بیست کرور تومان قرض که دولتین روس و انگلیس به دولت علیۀ ایران می دهند، مطابق و موافق با قرارنامۀ استقراضی دولت علیۀ ایران از دولت روس است که در سنۀ یک هزار و نهصد و دو نموده است .

چهارم - چهار کرور این وجه را از امروز تا شب عید نوروز ، دولت علیۀ ایران از دولت روس و انگلیس مساعدۀ یعنی پیشکی خواهد گرفت؛ و مدت اداء این چهار کرور یک سال است، و چهارماه هم مهلت دارد .

پنجم - گرو و ضامن این چهار کرور تومان نزد دولت روس ، گمرکات شمالی و نزد دولت انگلیس پستخانه و تلگرافخانه ، که سابق داده شده است می باشد. هر گاه هم مکفی نباشد، گمرکات بنادر خلیج فارس ضمیمۀ گرو نزد دولت انگلیس خواهد بود .

ششم - بقیۀ وجه این قرارنامۀ استقراضی وقتی داده خواهد شد که دولت ایران چند ماه قبل از لزوم ، اطلاع به دولتین روس و انگلیس بدهد .

بعد از قرائت این قرارنامه، صورت قروض و مخارجی که فعلاً و الساعة لازم است قرائت شد و تقریباً از قرار ذیل است :

مخارج دربار که عقب افتاده و الساعة باید مساعدۀ به آنها داده شود، فلان مقدار ، مواجب سفراء ایران که در خارجه مقیم می باشند ، فلان مقدار . مواجب قشون ، فلان قدر ، مواجب اربابان حقوق و غیره مخارج متفرقه مخارج غیر مترقبه

جمع این‌ها چهار کروار گردید که الساعة دو کروار آن اگر به دولت نرسد تمام ادارات دولتی می‌خواهد و دو کروار دیگر آن شب‌عید برای اداء قروض معروضه باید به دولت برسد. ضمیمه صورت ریز قروض از بانکهای خارجه روس و انگلیس یعنی از بانک استقراضی و از بانک شاهنشاهی .

بعد از خواندن آن ، گفتگو و قال و مقال در مجلس در گرفت ، جماعتی که با فرنگان عموماً و با روس و انگلیس خصوصاً مایل ، و شرف خود را فقط به دادن رأی می‌دانند ، اعم از این که رأی ایشان مفید به حال دولت و ملت و مملکت باشد یا نباشد ، رأی دادند که : این قرض فعلاً چون لازم و کار دولت پریشان است ضرری ندارد ، به ملاحظه این که موعد اداء آن يك سال است عیبی ندارد ، و از دولت است و دیگر زور به ما نخواهند گفت .

جماعتی که فقط نظرشان بر این است که قرض کلیه بد است ، رأی دادند که نباید قرض بشود . جمعی رأی دادند که باید دولت ریز قروض و مخارج را به مجلس شورای ملی بفرستد ، بلکه خود بتوانیم دزدیهائی را که در آن قروض شده پیدا نمائیم و نیز مخارج گزافی را که به دولت جمع بسته‌اند بدانیم و از مأخذ قرض مساعده و قرض کلی کم شود و مخارج این پول هم با اطلاع مجلس شورا باید بشود .

هر کس از هر طرف صدائی بلند می‌کرد و رأیی می‌داد ، جماعتی که از وخامت این استقراض و خرابی ملک و ملت ، بسبب این قرض ، مطلع و بصیر در موارد خانه برانداز دولت و ملت بودند و نیز می‌دانستند که می‌خواهند علاوه بر این که چنگال خود را بیش از پیش بر جسد مقدس دولت و ملت ایران فروبرند ، امضاء و قروض سابق را که خانه دولت و ملت را خراب کرده است ، از ملت بگیرند ، که بدون معارضه هر چه منظورشان است به روزگار ملک و ملت ما بیاورند ، ساکت بودند . آن جماعت که ساکت بودند تجار و جمعی دیگر از طبقات مختلف بودند .

نطق معین التجار بوشهری

به هر جهت از طبقه تجار رأی خواستند ، معین التجار بوشهری نطقی بلیغ نمود و صورت قرار نامه را به دست گرفته ، يك از مواد آن را قرائت و مضار آن را بیان نمود . و بعد رأی داد بر اینکه :

عقیده من این است که زمینه خالی دولت که بیست کروار است صحت ندارد . ابدأ دولت مقروض نیست . زیرا که شاهزاده اتابک بارها فخریه می‌نمود که : « من جمع خرج دولت را موازنه نمودم . ششصد هزار تومان هم فعلاً اضافه دارم که در نزد (تومان‌نیاس) گذاشته‌ایم ، برای بعض مخارج فوق‌العاده غیر مترقبه دولت » . ما تا این درجه اتابک را دروغگو و بی‌اطلاع و یا و سهرا نمی‌دانیم .

باید دولت صورت جمع سه ساله و مخارج آن را به مجلس بفرستد تا از روی دقت رسیدگی نمائیم . اگر واقعیت دارد که دولت مقروض مانده است البته بر ذمه ملت است که کار دولت راز را بیندازد . ولی نه آنکه از روس وانگلیس قرض شود . آنها با این شروط سخت ، آنها برای چهار کرور مملکت را تسلیم نمائیم . بعلاوه شاید ما در رسیدگی جمع و خرج ، محلی پیدا نمائیم که فعلاً این چهار کرور از آن جمع و خرج پیدا شود . و اگر در شکها مانده باشد ، آن وقت بیرون می آوریم . نه محتاج استقراض از خارجه و نه محتاج به قرض داخله شویم . فعلاً این بنده کور کورانه نمی توانم رأی بدهم ، که قرض به هر جهت بنمایند یا ننمایند . باید دولت ، اولاً بودجه جمع و خرج سه ساله خود را قلم به قلم به مجلس بدهد و بعد صورت قرارنامه و معاهده قرض سنه يك هزار و نهصد ، و يك هزار [و نهصد] و دو را به مجلس ارائه نماید . تا مواد آن را ملاحظه و دقت نمائیم و مسبوق باشیم .

این اطلاع ما از مواد آن نه برای این چهار کرور است بلکه برای این است که دولت صد کرور افلا پول برای اصلاحات مملکتی لازم دارد و مسلماً محتاج به قرض خارجه خواهیم شد . پس باید قبل از آن و کلاء از مواد معاهده مسبوق باشند ، تا بتوانند تدارک قروض کلی برای اصلاح مملکتی چه از داخله و چه از خارجه بنمایند .

فایده دیگر اطلاع ملت از مواد آن معاهده این است که اگر منافعی با استقلال دولت است ، اقدامی بنمایند تدارک وجهی در داخله به هر قسمی که پیشرفت کند بشود و دو قرض روس را داده و خود را از این تنگ و عار و نار برهانیم ، آن وقت به اندازه درآمد خودمان مخارجی بطور صحیح معین نمائیم و نیز میلی از دخل مملکت را برای تعمیرات [و] اصلاحات لازمه معین نموده که سال به سال به اعضاء ملت بمصرف برسد و خود را بی نیاز [سازیم] از قرض کردن از سایر همسایگان ، که محل مخاطره آنان می باشیم . فرضاً اگر محتاج به قرض برای تعمیرات معادن و راه آهن یا غیره بشویم قرض را ملتی قرار دهیم ، یعنی : تشکیل بانکی به اسم ملت نموده و اسناد آن را در خارجه منتشر نمائیم تا موعد معین . به هر جهت رأی من این است که باید دولت در قرض از داخله و خارجه خیلی دقت نماید . به این عجله امروز بنده رأی نمی دهم قرض بشود .

بعد از این بیان و نطق و رأی همه و ولوله غریبی در مجلس افتاده جماعت تجار که عموماً قبل از این نطق حاج معین التجار بوشهری با رأی ایشان شرکت داشتند ، يك زبان و رأی ، تسدیق آراء حاج معین التجار را نموده شريك رأی ایشان شدند ، و عیناً رأی

دادند که نباید این قرض بشود. سایر وکلا نیز از رأی اولیه خودشان منحرف و شریک آراء تجار شدند. جماعت اولیه که طالب نفوذ و پلتیک اجانب در داخله می‌باشند چنان برآشفتنند که بر مجلسیان عموماً اغراضشان معلوم گردید، چون قوت نداشتند ساکت ماندند؛ و مقرر گردید که صورت مجلس و آراء و کلا و استدعای فرستادن صورت جمع و خرج قرارنامه استقرائش سابق را جناب مخبرالسلطنه به هیئت دولت ابلاغ نمایند.

روز دوشنبه ۲۳ شوال المکرم سنه ۱۳۳۴ - امروز مجلس عمومی تعطیل است بعضی از وکلاء در منزل جناب صنیع الدوله خلوت نموده و برضد سعدالدوله بعضی مذاکرات می‌نمایند که این شخص را از نظر ملت بیندازند.

امروز دو صورت اعلانی که به ژلاتین طبع شده است و یکی را دو روز قبل و دیگری را امروز منتشر نموده‌اند، بدست آورده و ذیلاً درج می‌نمائیم:

اعلان ژلاتین موسوم به

شبنامه

اقتلوا المشرکین حیث وجدتم

چشم باز و گوش باز و این عمی^۱ حیرتم از بی تمیزی شما

ای علماء اعلام! ما وطنخواهان نزدیک است از حوصله طبیعی خارج شویم. این چه بساط حقه بازی است که وزراء خائن هرروزه برای ما ملت بیچاره فراهم می‌آورند، و شب و روز درصدد برگردانیدن نیت مقدس ملوکانه هستند، و رأی شاه را از تقویت و همراهی از مجلس منصرف می‌کنند؟ آخر چه قدر باید تحمل نمود چه اندازه باید صبر کرد؟ و هرروز باید شنید فلان وزیر خائن اسباب چینی برای بردن منصب و گرفتن سند، نیرنگی می‌چیند. ملت محض خدمت به دولت می‌بیند سرباز نداریم، از روی غیرت و دولت‌پرستی و اسلامیت باجان و مال خود حاضر می‌شود که در میدان مشق تعلیم نظام گیرد. فلان وزیر ظالم بهانه بدست آورده، به شاه می‌گوید: «دیگر شما ول معطلید، مجلس که درست شد، سرباز هم درست کردند، وجود شاه دیگر لازم نیست». همچو از نظر جلوه می‌دهند که ملت می‌خواهد یاغی شود و قلب شاه را از ملت غیور بر می‌گردانند و دل آن‌ها [را] از مجلس و مجلسیان سرد می‌کنند. وزیر دیگر شب و روز با مخالفین، در اطاقهای مخصوص خلوت می‌نماید، و بدون اطلاع پیشخدمت‌ها کنکاش و مشورت می‌کند، اتصالاً دستورالعمل به مخالفین می‌دهد و شاه را ترغیب و تحریص به تخریب مجلس می‌نمایند. والله ما می‌دانیم چنانچه خودتان

هم می‌دانید که مانع و مخالف مجلس هیچ کس جز این وزراء دزد نیست . استدعای ما ملت ، خدمت آقایان روحانی این است که این وزراء خائن را بخواهید و آنها را نصیحت کنید که این همه پاپیج این ملت نجیب نشوند ، و تکلیف شرعی ما را زیاد و مشکل نمایند . مبادا روزی آید که پشیمانی سودی ندهد . خدا می‌داند که ما امروز برای رفع ذلت اسلام عاجی جز مجلس شوری و اجراء قوانین مشروطیت نمی‌دانیم و مخرب مجلس را دشمن دین و خصم خدا می‌دانیم و به قانون مذهبی دفع شر اورا به حکم: « اقتلوا الموذی قبل ان یوذی » از جمله فرایض واجبه اسلامی خویش می‌شماریم و اورا جز به آلت قتاله استقبال نخواهیم نمود . ای پادشاه اسلام ! این دفعه محض اتمام حجت می‌گوئیم که گوش به سخنان عدوانه این وزراء ظلم مده زیرا این دزدان پی‌بازار آشفته می‌گردند شاه را از رعیت بری و رعیت را بر شاه می‌شورانند ، این‌ها همان وزراء بدبخت می‌باشند که در عرض این ده دوازده ساله دولت ایران [را] هفتاد کرور مقروض خارجه نمودند . این‌ها همان وزراء هستند که ملک ایران را خراب و رعیت را ذلیل ، راه زندگانی را بر ملت مسدود و ملت فلک زده را به این روز تیره دچار ساخته‌اند . این‌ها همان وزراء هستند که تمام سرحدات و معادن را به خارجه فروخته‌اند و دولت را گدای خانه‌نشین کرده‌اند . شاه! به اول همه کاری تأمل اولی‌تر بکن و گرنه پشیمان شوی در آخر کار

شبنامه

دیگری است که به طبع زلاتین منتشر شده است

خطاب و کلا به عموم ملت : ای ملت غیور ایرانی ! از روزی که ما را به وکالت قبول کردید ، و این بارسنکین امانت را به دوش ما گذاشتید ، تاکنون در پیشرفت مقاصد و امور راجعه به ترقی و سعادت ابدی آنی راحت ننشسته‌ایم . شب خواب و روز را آرام نگرفته‌ایم . هرچه کوشش کردیم که شما را از این ذلت و خواری و از اسارت ظلم مستبدین و از قید بندگی و جور و ستم بی‌رحمان نجات دهیم ، و به سرمنزل آسایش و امنیت و راحت رسانیم ، و حقوق ضایع شده شما را استرداد کنیم ، و این ملت و مملکت را از دریای هلاکت و فلاکت نجات بخشیم ، و رشته اتحاد را محکم سازیم و این اختلاف و نفاق را که موجب فنا و زوال ملت و مملکت است از میان برداریم ، آن قدری که قوه و استعداد داشتیم در این راه گذاشتیم و در این خصوص چیزی فروگذار نکردیم عاقبت نتیجه و ثمره آن بخشیده که دیدید و شنیدید که: «ولا یزیدالظالمین الا خساراً و نفوراً» . حال

از شما ملت با غیرت انصاف می‌خواهیم که آیا ما چند نفر و کلا بدون اعانت و حمایت شما ها می‌توانیم کاری از پیش ببریم یا نه ؟ و آیا می‌توانیم با این وزراء خائن جاهل ایران خراب کن ملت فروش بدون اعانت شماها جنگ کنیم ؟ آیا با کدام قوه می‌توانیم کدام وزیر خائن را حاضر نموده ، مجازات دهیم ؟ یا فلان حاکم رعیت فروش را به جزایش برسانیم ؟ و این را تمام دنیای دانند که ، قوه و قدرت ما و کلا شماها هستید ، تا شما ملت از ما تقویت نکنید و همراهی ننمائید ، کاری از پیش نمی‌رود و رفع ظلمی نمی‌شود. البته چنانچه دربدو امر جانفشانی‌ها کردید و زحمات کشیدید تا حقوق خود یعنی مجلس را برای خود تشکیل دادید و اثبات حق خود را نمودید ، این را باید بدانید که وجود مجلس فقط ثابت نمود که حقوقات دارید و باید آن حق را استرداد نمائید، ولی می‌دانید وظیفهٔ مجلس جز رأی دادن چیزی نیست. استرداد حقوق و اجراء آراء صائبه و اوامر مطاعهٔ مجلس موکول به همت عالی شما ملت است. در سه‌شنبه گذشته چنانچه شنیدید ماها جدأ در احضار و مسئولیت وزراء ایستادگی داشتیم ، آقایان حجج اسلامیه دامت برکاتهم هم توسط فرمودند که: «تا هفتهٔ دیگر این مطلب را بعهدهٔ ما گذارید. اگر تا شنبهٔ چهاردهم وزراء حاضر نشدند آن وقت اقداماتی که در نظر دارید بکنید». روز موعود رسید و جواب طفره آمیز آمد. آقایان حجج اسلام فرمودند که «اتمام حجت کردیم. حال شما خود دانید ما بر حسب ملت پرستی خودمان و دولت خواهی که داریم ، بیش از این مسامحه جایز ندانستیم و جدأ مسئولیت وزراء را از صدراعظم خواستیم و تا روز يك شنبهٔ ۲۲ مهلت دادیم. ان شاءالله اگر به وفق مقصود جواب آمد فهوالمطلوب و الامنتظار اطلاع ثانوی باشید ، در روز یکشنبه.»

لوحهٔ سردر مجلس

امروز لوحهٔ سردر مجلس را که به عنوان (دارالشورای ملی ایران) و عدل مظفر، رقم شده است با جمعیت و شکوه فوق‌العاده به‌هیمنت و مبارکی نصب نمودند و لایحهٔ مفصلی هم در هنگام نصب آن قرائت کردند. حاضرین را فرح و سرور بی‌اندازه دست داده و همه به آواز بلند به سلام و صلوات و دعای به ذات‌هایون شاهنشاه رطب‌اللسان بودند. جناب مخبرالسلطنه مقالهٔ ذیل را قرائت نمود و صورت آن از این قرار است:

نطق مخبرالسلطنه در مجلس شورای ملی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سپاس بی‌قیاس مالک‌الملکی را سزااست که در عقد مصالح جمهور و حل معضلات امور صدرنشین مسند رسالت را به استشارات مأمور کرد و اقامهٔ صلوة و ایثار زکوة را با ایمای به مشورت مترادف ساخت

صاحبان عقول آسمانی را نکتۀ «لن یهلك امرء بعد المشورة» نیکو بشارتی است و صاحبان نفوس روحانی را دقیقۀ «لا سعد من استبد برأیه» کافی اشارتی. بر اصحاب فطنت و ذكاء روشن و هویداست که «من ظاهر بالمشاورة وصالی الصواب» و بر ارباب کیاست و دها مبرهن و پیداست، که «من استبد برأیه هلك وخاب». بشارت باد ایران و ایرانیان را، که به توفیقات الهی و توجهات ظل-اللہی عدل مظفر عالم گیر شد و کوس مساوات بر بام آزادی فرو کوفتند.

از حد سرخس تا به اهواز و از خاک بلوچ تا به گرگر

گرگ از گله خود طمع بپیرد فر به نکند ستم به لاغر

دولت کهن را نوبت جوانی رسید و ملت ممتحن [را] وقت شادمانی، رشته امور که از تار عنکبوت سست تر می نمود قوت حبل متین گرفت و بنیان سیاست که به حوادث ایام تزلزل یافته بود بر اساس شرع ممبین نهاده شد. شاهد عقود اعنی و شورای ملی، روی زیبا از پرده خفا بدر آورده «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فی تبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوالالباب».

مطالبه نظامنامه

پس از فراغت از این کار جماعت کثیری از حاضرین در صحن عمارت مجلس جمع شده، و وکلاء را به مبالغه در مطالبه نظامنامه و عدم خروج از مجلس قبل از مراجعت مأمورین عجلت از نزد صدارت عظمی و آوردن نظامنامه، تکلیف و اصرار می کردند پس از يك ساعت از شب گذشته مأمورین و رسولان عجلت مراجعت نموده و جواب را به این طور ابلاغ داشتند که «به ملاحظه کسالت مزاج مبارک همایونی، قرائت و صحنه نظامنامه چندی متعسر است و ابدأ عماطله در صحنه نظامنامه نشده است. پس بهتر آن است که مجلس به کارها و انجام تکالیف خود به موجب فرمان همایونی مشغول بوده و منتظر نظامنامه نباشد و در مطالبه و صحنه آن قدری تأنی و امهال کنند. انشاء الله پس از تخفیف و رفع نقاهت مزاج ملوکانه به صحنه رسیده و ارسال می شود».

کاغذی جناب حاج آقا نورالله ثقة الاسلام مجتهد اصفهانی به عنوان جناب حاج میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی نوشته است. سواد آنرا فرستاده اند که در جراید درج کنند چون خالی از اهمیت نیست در این تاریخ خود درج می نمائیم. که برای عوام در امروز مفید است.

کاغذ آقای اصفهانی به آقای شیرازی

به عرض می رساند. مدتی بود گزارش حالات شرافت دلالات حضرت تعالی را به توسط مرقومات اطلاعی نداشتم ولی از هر عابر و وافد صبا و شمال مستفسر و مستعلم احوال موهبت اشتمال می شدم.

ما خطرت من نحوکم نسمة الا تمسکت باذیالها

تا این ایام که محترم رقیمة کریمه به توسط جناب مستطاب آقای حاجی شیخ علی بابا سلمه الله ، زیارت شد . ایشان را خوارتم و خصوصیات حالات را پرسیدم خیلی از مراحم کامله امتناناتی داشتند . اما غریب آن است این وقایع حادثه را ، می گفتند ابدأ آنجا آثاری ظاهر نشده و با وجود مثل حضرت تعالی بزرگواری ، اهالی فارس که اول مصدر غیرت و فتوت شدند و بر عاسه اسلامیان معنی مردانگی و ثبات را خاطر نشان کردند ، و بواسطه تظلمات و پاداری آنها مردم دارالخلافه به شور شوری افتادند و این نور شریعت و تمدن و ملت پرستی و دین داری و معدلت و مساوات و اتفاق دولت و ملت و اتحاد کلمه آفاق را روشن کرد و بر اقطار ایران که ظلمات جهل بصائر و ابصار را پوشانده بود مبرهن و آشکار و انموده که غیر از ظلم و نفاق چیز دیگری هست که نامش عدل و اتفاق باشد . و بعد از آن که دیگر اثری از اسلام و اسلامیان و دین و عجم و ایران نمانده و روح خلیق که ثروت و صنعت و امنیت باشد هم از میان رفته و خلق گدا و فانی صرف شده و دول خارجه این اکلله ساعة و لقمه لمحجه را نزدیک بود فرو برند ، و اسمی از دین و ملت محمدی صلی الله علیه و آله باقی نگذارند . بحمدالله و دست غیب آمد و بر سینة نامحرم زده نظر عنایت الهی و شفاعت حضرت حجة اللهی واسطه و وسیله اعلاء لواء شریعت گردید . مردم عراقی و آذربایجانی به یک زبان مجلس شورای ملی خواستند و قلب مبارک اعلی حضرت اقدس شهر یاری خلد الله تعالی ملکه مرآت تجلی حقایق گردیده ملهم شدند برای تسجیل و اثبات این امر و به اختیار خود سعی و جهد فرمودند و نام بزرگشان را در قرون و اعصار و ممالک و امصار به اعلی مدارج بزرگواری باقی گذاردند ملاحظه بفرمایید ، محاسن مجلس شورای ملی و مشروطیت را به هزار کتاب نمی توان گنجانید . از بدو اسلام که معدودی اعراب پیش ایمان نیاورده بودند ، به همین ترتیب شوری و مشروطیت که اساس دین ما بر آن است ، در ظرف ده بیست سال قصور قیاسره و کنوز اکاسره را دارا شدند و نور اسلام در تمام روی زمین ساطع گردید . و اگر معاویه آن تیغ خلاف را در بین مسلمین فیانداخته بود ، تاده سال دیگر متنفسی نمی ماند جز آن که اسلام اختیار می نمود .

باری فعلاً مختصری از منافع آن را عرضه می دارم تا بعد به تفصیل جسارت

شود .

اول - سابقاً در مقابل دول خارجه که دندان طمع تیز نموده بودند اعلی حضرت ظل الهی چند فوج معدود بی استعدادی پیش نداشتند اما امروز بحمداله